

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۳۰ جولای ۲۰۱۷

جمهوری اسلامی و نمایش دیدار از قتلگاه اوین

روز چهارشنبه ۱۴ تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۶، رژیم جمهوری اسلامی در جریان یک اقدام طرح ریزی شده و نمایشی، سفیران ۴۹ کشور خارجی را به سیاهچال اوین، جایی که شکنجه گاه و میدان قتل هزاران هزار تن از جوانان برومند و مبارز ایران بوده است، بُرد تا به ادعای خود شرایط حاکم بر این زندان را علناً به نمایش بگذارد.

در خاتمه این شو نیز دستگاه های تبلیغاتی حکومت، ضمن نمایش وسیع تصاویر گزینشی و پخش یک اعلامیه دیکته شده از سوی وزارت اطلاعات در مورد این دیدار کوشیدند تا به قول کاظم غریب آبادی، معاون امور بین الملل ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، "واهی بودن ادعاهای بی اساس برخی کشورها پیرامون مسائل حقوق بشری علیه ایران" را ثابت کنند و با این کار واقعیت آن چه که در طول قریب به ۴ دهه بدرستی راجع به کشتارگاه اوین به عنوان یکی از سمبل های شناخته شده ننگ و جنایت و شکنجه و اعدام در نظام جمهوری اسلامی در ذهن افکار عمومی مردم تحت ستم ایران و انسان های آزادیخواه سراسر جهان شکل گرفته را به خیال خویش تغییر دهند.

طبیعتاً هنگام پیشبرد این سیاست مزورانه و ضد مردمی، بازدید کنندگان یعنی دیپلمات های دول امپریالیستی و وابستگان شان نیز در حمایت از این رژیم تبهکار، سنگ تمام گذاشتند. آن ها پس از قدم زدن بر روی فرش قرمزی که جلادان رژیم بر روی سنگفرش های خونین اوین برای شان پهن کرده بودند، در حمایت از رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی و تأیید نظام حاکم بر شکنجه گاه بدنام و رسوای اوین، آن چنان عبارات ننگین و حتی چندی آوری به کار بردند که تنها حد دست و دل بازی سازمان دهندگان این نمایش و "امدادهای غیبی" همواره پشتیبان آن ها را نشان می داد. در میان این دسته سفراء که ماهیت فعالیت های به اصطلاح دیپلماتیک آن ها در ایران، اساساً پیشبرد خط استعماری دولت های شان یعنی توسعه نفوذ اقتصادی و سیاسی امپریالیست ها و پر کردن جیب غارتگران جهانی با عقد قراردادهای ناصرالدین شاهی با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ست، برخی در تمجید شکنجه گران اوین تا آن جا پیش رفتند که گفتند از شدت اوضاع "مطلوب" حاکم بر قتل گاه اوین "شگفت زده" شده اند. برخی نیز مانند سفیر پرتغال مدعی شدند که "شرایط زندان بسیار خوب است و مرا تحت تأثیر قرار داده، انتظار نداشتم این قدر خوب باشد". برخی دیگر شرایط زندانیان در بند جمهوری اسلامی را از شرایط زندان های کشورشان "بهتر" توصیف کردند و در پشت دوربین های دروغ و ریای حکومت جار زدند که به چشم خود دیده اند که در اوین، زندانیان، "کتاب

خانه و نماز خانه و آرایشگاه" دارند؛ (به نقل از سفیر کوریای جنوبی که دولتش قراردادهای میلیارد دلاری با جمهوری اسلامی دارد).

توصیفات سراپا فریبکارانه سفرای کشورهای بازدید کننده از اوین به گونه ای است که گویا باید انتظار داشت که از فردا سیل گرسنگان و کارتن خواب ها و کودکان کار کشور که سهم آن ها از نظام ننگین سرمایه داری حاکم بر ایران و رژیم حافظ آن جز فقر و فلاکت و گورخوابی نیست ، در مقابل "هتل اوین" صف کشیده و برای نجات از مرگ تدریجی و گرسنگی در خارج از اوین ، خواهان زندانی شدن در این بهشت موعود و استفاده از امکانات شگفت آوری شوند که وجود آن ها در خارج از زندان، برای میلیون ها تن از محرومان ، رؤیائی بیش نیست!

اما واقعیت این است که برای توده های تحت ستم و مبارز ایران و برای خانواده های هزاران هزار تن از مبارزان و انقلابیونی که در طول نزدیک به چهل سال گذشته در سیاه چال اوین شکنجه و یا اعدام شده و به قتل رسیده اند، برای تمامی آن هائی که زخم های التیام ناپذیر ناشی از زندگی در چنین محل "شگفت انگیزی" و "شرایط مطلوبی" را همچنان در روح و جسم خود حمل می کنند، این شوی مسخره جز با ابراز خشم و نفرت علیه کارگردانان آن پاسخ دیگری نگرفت. توده های آگاه و مبارزی که با پوست و گوشت خود در طول قریب به چهار دهه ظلم و جنایات دیکتاتوری حاکم را لمس کرده و تیغ زندان و زندانبانان جلاد حاکم بر تن آن ها و یا نزدیکان شان نشسته ، برای هیچ یک از این دمکرات مآبی های رژیم جمهوری اسلامی و اربابان و حامیان بین المللی اش تره هم خرد نمی کنند. بیهوده نیست که به دنبال این دیدار و تبلیغات بعد از آن ، سیلی از اعتراض و افشاگری های گسترده خانواده های زندانیان و نیروهای مخالف و مبارز و حتا زندانیانی که در داخل این سیاه چال به سر می برند علیه تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی به راه افتاد.

دیدار سفرای کشورهای خارجی از سیاه چال اوین و تبلیغات رسوای ماورای آن در شرایطی صورت گرفت که در رابطه با این "مهمانی هتل اوین" معلوم شد که به جز تعداد انگشت شماری از قسمت ها، اکثریت زندانیان در بندهای اوین حتا روح شان هم از این که هیأت بزرگی در حال دیدار از اوین و مشاهده شرایط آن هستند ، با خبر نبودند. علاوه بر این مقامات رژیم برای محکم کاری درست پیش از دیدار سفراء ، ده ها زندانی سیاسی را از اوین نقل مکان داده و آن ها را به نقاط دیگر منتقل کرده بودند و اطمینان حاصل شده بود که حتا یک زندانی سیاسی یا به قول رژیم امنیتی هم قادر به دیدار و صحبت با این هیأت نگردد. این واقعیت به نوبه خود تنها ماهیت فریبکار قدرت و قدرت هائی را که برای تطهیر چهره سیاه جلادان حاکم بر ایران نیاز به چنین دروغ های گویلی دارند، روشن می سازد و مشت سازمان دهندگان و مجریان و شرکت کنندگان در این شوی مسخره را باز می کند. همچنین همه می دانند که اندک تأسیسات به اصطلاح رفاهی نظیر "کتاب خانه" و "رستوران" و "سالن زیبایی" هم که در تبلیغات جمهوری اسلامی در مورد این دیدار روی آن ها تأکید شده ، تنها در اختیار یکی از ساختمان های زندان اوین یعنی بند ۷ می باشد که زندانیان ساکن در آن اغلب افراد ثروتمند و متمولی هستند که به اتهامات فساد مالی در زندان به سر می برند و غالباً جزئی از امکانات مالی خویش را همراه خود به زندان هم آورده اند. جدا از این واقعیات ، در طول سال های گذشته ، گزارشات دائم و روزمره ای که از سیاه چال اوین با اتکاء بر مشاهدات مستقیم شاهدان عینی، سازمان های "حقوق بشری" و نهادهای بین المللی منتشر شده، برای هر انسان حقیقت جوئی آشکار می سازد که شرایط حاکم بر زندانیان سیاه چال اوین به طور کلی و شرایط حاکم بر زندانیان سیاسی به طور اخص به طور وصف ناپذیری وحشیانه و غیر انسانی و مغایر با اظهارات فریبکارانه بازدید کنندگان تور "هتل اوین" می باشد.

تا آن جا که به اوضاع زندانیان غیر سیاسی و بندهای عادی باز می گردد، ازدحام زندانیان به دلیل کمبود فضاء و امکانات، عدم دسترسی به حداقل امکانات بهداشتی، شیوع بیماری های پوستی و تغذیه نئی و برخوردهای سیستماتیک وحشیانه زندان بانان با زندانیان در اوین یک حقیقت آشکار است که بار ها مورد اعتراض خانواده ها و بستگان زندانیان قرار گرفته است. وخامت این اوضاع به گونه ای ست که وزیر دادگستری جلاد دولت روحانی یعنی پور محمدی نیز مرداد ماه [اسد] سال گذشته اعتراف کرد "وقتی در یک سلول ، ده پانزده نفر جا داده می شوند، طبیعی است که بیماری یک زندانی به هم پندان او سرایت کند".

از سوی دیگر زندانیان سیاسی ساکن اوین که بندهای آنان مستقیماً تحت نظر وزارت اطلاعات جهمی جمهوری اسلامی اداره می شوند، نیز علاوه بر تمامی شرایط غیر انسانی فوق در معرض آزار و اذیت دائم و شکنجه های روحی و روانی و جسمی مزدوران وزارت اطلاعات و زندان بانان قرار دارند. البته مقامات تبهکار جمهوری اسلامی همچون سلف به حق خویش یعنی شاه مزدور که تمامی اسرای فدائی و مبارزان و مخالفان خویش در زندان را "خرابکار" می نامید ، ادعا می کنند که در جمهوری اسلامی "زندانی سیاسی" وجود ندارد و مخالفان دیکتاتوری حاکم "زندانیان امنیتی" خوانده می شوند. در نتیجه هیچ آمار و یا گزارش رسمی هم در مورد زندانیان سیاسی در بند جمهوری اسلامی در دست نیست. با وجود این خلاف گزارش مهمانی اخیر برای سفرای خارجی در اوین، وضعیت وخیم و مرگبار زندانیان سیاسی در بندهای اوین در زیر پنجه های خونین جمهوری اسلامی غیر قابل انکار و یکی از موضوعات دائم افشاء کننده ماهیت ضد خلقی حکومت بوده است. شکنجه و قتل مخالفان در بند در سیاه چال اوین از جمله قتل کارگر آگاه و مبارز ستار بهشتی در سال ۱۳۹۱ در بند ۳۵۰ اوین تنها یک نمونه از فضاء و اوضاع واقعی سیاهچال اوین را به نمایش می گذارد. همچنین حمله وحشیانه نیروهای وزارت اطلاعات در سال ۱۳۹۳ به بند زندانیان سیاسی در اوین و ضرب و جرح و مصدوم کردن ۳۰ تن از زندانیان در بند که به همت خانواده های نگران آن ها وسیعاً انعکاس عمومی یافت نمونه دیگری از "شرایط مطلوب" شکنجه گاه اوین را به نمایش می گذارد. رسوائی این اقدام جنایتکارانه آن چنان بود که مقامات جمهوری اسلامی مجبور شدند پس از مدتی بی سر و صدا ، رئیس وقت سازمان زندان ها را از مقام خود خلع کنند.

اصولاً برای درک اوضاع واقعی حاکم بر زندان های جمهوری اسلامی، یک ذهن حقیقت جو و آگاه باید این حقیقت را راه نمای خود قرار دهد که شرایط حاکم بر زندان در هر جامعه ای ، در هر دورانی انعکاس شرایط عمومی در کل آن جامعه است. نگاهی به جامعه تحت سلطه و ملتهد ما نشان می دهد که در شرایطی که سرمایه داران حاکم بر ایران و رژیم مدافع منافع آنان با مقاومت و یک نبرد دائمی مرگ و زندگی در مقابل کارگران و زحمت کشان گرسنه و بیکار و توده های استثمار شده و عاصی از مظالم نظام ضد خلقی حاکم مواجه هستند، در شرایطی که این رژیم به جز اتکاء به قدرت قهر و سرکوب و خفقان قادر به اداره و کنترول این اوضاع نیست، در شرایطی که اعمال وقفه ناپذیر دیکتاتوری مطلق ضامن بقای طبقه حاکم می باشد، نتیجتاً وجود کشتارگاه ها و شکنجه گاه هائی مانند اوین و حصارک و رجائی شهر ، نیاز حیاتی چنین سیستم سرکوب گرانه ای ست.

اتفاقاً جمهوری اسلامی با ایجاد و گسترش سیاه چال هائی نظیر اوین در سراسر کشور و با اعمال سیستماتیک شکنجه و اعدام قادر به حفظ حکومت خود و برآوردن منافع اربابان جهانی اش شده است. از این رو تا چنین سیستم و نظامی برقرار است، شکنجه گاه هائی نظیر اوین با شرایط شدیداً غیر انسانی و ضد خلقی نیز وجود خواهند داشت و هیچ دروغی هم قادر به سفید نمائی چهره سیاه رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی و شرایط به غایت غیر انسانی حاکم بر زندان های آن نخواهد شد.

اکنون پرسیدنی ست که چه اتفاقی افتاده و چه شرایطی جمهوری اسلامی را واداشته تا به فراست پوشاندن چهره ضد خلقی خویش بیفتد و به باز شدن هر چند نمایشی و مهندسی شده دروازه یکی از مخوف ترین تجلیات نظام دیکتاتوری خویش راضی شود؟ برآستی در شرایط رسوائی تام و تمام جمهوری اسلامی در چشم توده های تحت ستم ایران، از ترتیب دادن چنین نمایشی چه سودی نصیب حکومت و حامیان آن خواهد گشت؟

پاسخ به سؤال فوق را باید در متن شرایط کنونی یافت.

مقدمتاً باید بر این واقعیت تأکید کرد که با توجه به این که سیاه چال اوین در دوره شاه نیز مبارزان زیادی را در خود جای داده بود، خواست امکان بازرسی علنی و بدون محدودیت آن توسط نهادهای مردمی و دمکراتیک در طول ۳۹ سال گذشته یکی از خواست های خانواده های قتل عام شدگان در این شکنجه گاه و زندانیان سیاسی جان به در برده از آن و همچنین تمام افکار مردم آزادیخواه جهان بوده است. اما به رغم تمامی فشارهای مردم ایران در طول این مدت شکنجه گاه اوین به عنوان یکی از مخوف ترین و مرموزترین سیاه چال ها در رژیم های دیکتاتوری منطقه بر روی بازدید کنندگان بسته مانده است و به طور مثال در طول ۱۴ سال گذشته جمهوری اسلامی تمامی درخواست های بازدید از اوین را با آرامش خیال رد کرده است. نگاهی به سوابق این امر نشان می دهد که البته در طول قریب به ۴ دهه گذشته نیز تنها در شرایطی خاص، نمایندگان برخی نهاد های امپریالیستی موفق به دیدار های مهندسی شده از این شکنجه گاه شده اند و آن ها به رغم تمامی محکومیت های ظاهری جمهوری اسلامی، به دنبال هر دیدار، گزارشاتی در تأیید مستقیم و غیر مستقیم دیکتاتوری حاکم که نهایتاً در خدمت سیاست های ضد خلقی امپریالیست ها علیه مردم ما قرار دارند، منتشر کرده اند.

معروف ترین این گزارشات مربوط به دیدار گالیندوپل، مدت کوتاهی پس از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و متعاقب سیاست معروف دوران رفسنجانی جنایتکار یعنی "پاک سازی زندان ها" برای "بازسازی" می باشد. در این دوره به کمک سیاست های رفسنجانی موج جدیدی از هجوم سرمایه های غارتگر امپریالیستی به ایران شروع شده بود و سرمایه گذاران بین المللی نیاز داشتند تا برای پیشبرد و معقول نشان دادن سیاست های نو استعماری خویش در افکار عمومی جهانی از جمهوری اسلامی چهره یک رژیم "معتدل" و "میانه رو" و دارای یک کارنامه معقول در حقوق بشر جلوه دهند. در نتیجه آن ها با بوق و کرنا یک هیأت برای تهیه گزارش از زندان ها به ایران فرستادند. با این وجود زندانیان سیاسی بازمانده از آن دوران مرگ و نیستی و خانواده های داغدار جان باختگان به خوبی به یاد دارند که چگونه در آن مقطع نیز میزبانان جلاذ آن گزارش دهندگان معلوم الحال چنان شرایط خفقان بار و تبهکارانه ای (از جمله با دیوار کشی و به انفرادی فرستادن تعدادی از زندانیان سر موضعی و ناپدید ساختن آن ها از چشم بازدیدکنندگان) در "نمایشگاه" اوین آفریدند که هیچ کس نتواند از حقیقت شرایط حاکم بر این شکنجه گاه و آن چه بر سر اسیران دردمند و مقاوم آن آمده، آگاه گردد.

اکنون نیز نگاهی به اوضاع و احوال پسا برجام نشان می دهد که با امضای برجام و لغو هر چند بطنی تعدادی از تحریم های دول امپریالیستی علیه رژیم، راه برای انعقاد قراردادهای پر سود و غارتگرانه با جمهوری اسلامی توسط برخی از بزرگ ترین انحصارات و کمپانی های امپریالیستی باز شده است (به عنوان نمونه قرارداد شرکت فرانسوی توتال در حوزه نفت). اما این وضع در شرایطی است که امپریالیسم امریکا جهت پیشبرد برخی از سیاست های جنگ طلبانه و بحران آفرین خود در منطقه سیاست "ایران هراسی" را اتخاذ نموده و در همین رابطه لازم می داند که بر روی پرونده نقض حقوق بشر جمهوری اسلامی تأکید کند. برای رفع این تناقض که ظاهراً مانع بزرگ پیشاروی "عادی" شدن روابط غرب با جمهوری اسلامی می باشد، می بایست چاره ای اندیشه شود. درست در همین رابطه تطهیر پرونده

حقوق بشری بسیار وخیم جمهوری اسلامی در دستور کار قرار گرفته است و نهادهای امپریالیستی با کمک خود جمهوری اسلامی در این جهت می کوشند. مهمانی اوین و نمایش شرایط مطلوب این سیاه چال در کنار تبلیغات فریب کارانه مشخصی که می کوشند از روحانی چهره میانه رو و معتدل برای افکار عمومی جهان بسازند، گامی ست برای سرپوش گذاشتن بر کارنامه سیاه "حقوق بشر" جمهوری اسلامی تا بتوانند زمینه را برای تطهیر این رژیم جنایتکار و پوشاندن دست های تا مرفق به خون آن در افکار عمومی در غرب آماده تر ساخته و در جهت کسب مافوق سود امپریالیستی برنامه های غارتگرانه اقتصادی خود را پیش ببرند.

برای مردم آگاه ما و وجدان های بیدار اهداف ضد مردمی شوی رژیم ، راجع به دیدار از اوین که یکی از رسواترین شکنجه گاه های جمهوری اسلامی ست آشکار است. از این رو مرتجعان و اربابان امپریالیست شان باید بدانند که در بارگاه تاریخ دروغ ها و فریب کاری های آنان به پشتوانه خون های عزیزی که ریخته شده قادر به تحریف حقایق و ماهیت جنایتکاران حاکم نخواهد بود. دور نیست روزی که در اثر یک انقلاب مردمی توسط دست های قدرتمند توده ها، سلطه امپریالیست ها و رژیم های مزدوری چون جمهوری اسلامی در جامعه ما نابود شود. آن گاه دروازه شکنجه گاه اوین بر روی عموم باز شده و پرونده جنایات جلادان جمهوری اسلامی در این شکنجه گاه در مقابل چشم همگان قرار خواهد گرفت.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۱۷ ، تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۶